

# فولکلور ترکمن و فلسفہ آن

عبدالقاسم قدیمے

ویراستار:

دکتر احمد رمضانے



تهران، ۱۴۰۲

www.booka.ir

سرشناسه : قدیمی، عبدالقاسم، ۱۳۳۸-  
عنوان و نام پدیدآور : فلکلور ترکمن و فلسفه‌ی آن / عبدالقاسم قدیمی؛ ویراستار احمد رضانی.  
مشخصات نشر : تهران: بوی کاغذ، ۱۴۰۲.  
مشخصات ظاهری : ۲۰۹ ص، ۲۱×۱۴ س.م.  
شابک : 978-622-6070-95-9  
وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا  
یادداشت : کتابنامه: ص. ۲۰۹.  
موضوع : ادبیات عامه ترکمنی  
موضوع : Folk literature, Turkmen  
موضوع : ترکمنان -- ایران -- آداب و رسوم و زندگی اجتماعی  
موضوع : Turkmen -- Social life and customs -- Iran  
شناسه افزوده : رضانی، احمد، ۱۳۵۹-، ویراستار  
رده بندی کنگره : PL۳۳۳/۵  
رده بندی دیویی : ۸۹۴/۳۶۴  
شماره کتابشناسی ملی : ۹۲۳۴۷۱۱

تهران، خیابان شهید مطهری، خیابان سلیمان‌خاطر، کوچه مسجد، پلاک ۱۹،

طبقه اول، واحد سه، کدپستی: ۱۵۷۸۷۱۵۹۱۴

تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۱۹۱۶۴-۰۲۱ تلفن همراه: ۰۹۲۱۲۵۷۶۵۹۳

تارنما: [www.booka.ir](http://www.booka.ir)

رایانامه: [info@booka.ir](mailto:info@booka.ir)



## فلکلور ترکمن و فلسفه‌ی آن

عبدالقاسم قدیمی

ویراستار: دکتر احمد رضانی

چاپ و صحافی: هنگام

مدیر تولید: احمد رضانی

چاپ: اول، ۱۴۰۲

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۷۰-۹۵-۹

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

## فهرست مطالب

مقدمه ..... ۷

### بخش اول: آیین‌ها و مراسم‌ها

مراسم تولد نوزاد ..... ۱۰

یئل دگیشما یا چالیشما «مراسم نوروز» ..... ۱۳

سویت غازان «مراسم طلب باران» ..... ۱۶

گلین آلماتق یا طوی «جشن عروسی» ..... ۱۹

یوماق آتیشما «مناظره» ..... ۳۲

ذکر «رقص خنجر» ..... ۳۳

اولیم و آیت برمک «مراسم عزا و فاتحه‌خوانی» ..... ۴۰

توره «قانون و آداب در روابط» ..... ۴۱

مال یواری ..... ۴۳

صدقات ناشناسان ..... ۴۴

### بخش دوم: بازی و سرگرمی

ایون لار «بازی‌ها» ..... ۴۶

ماتال لار «چیستان‌ها» ..... ۵۳

یالنگیت‌ماچ لار «اشتباه‌اندازها» ..... ۵۹

اخمئل ..... ۶۵

ساناواچ لار ..... ۶۷

**بخش سوم: طبیعت و کشاورزی**

- اسب و فرهنگ پرورش آن ..... ۷۱
- پرورش کرم ابریشم ..... ۷۹
- مراسم برداشت محصول ..... ۸۰

**بخش چهارم: فرهنگ ترکمن**

- پوشاک ترکمن ..... ۸۲
- تیکین «سوزن‌دوزی زنان ترکمن» ..... ۸۹
- قزیل کومیش شای لار «زیورآلات» ..... ۹۱
- مسکن در بین ترکمن‌ها ..... ۱۰۰
- غذاها و خوراکی‌های ترکمن ..... ۱۰۴
- فرش ترکمن ..... ۱۰۹

**بخش پنجم: مناسبات آیینی**

- دین و مذهب ..... ۱۲۱
- اعیاد مهم در بین ترکمن‌ها ..... ۱۲۳
- مولید «مولودخوانی» ..... ۱۲۶
- مراسم آق آش یا آق قویین «مراسم به سن پیامبر رسیدن» ..... ۱۲۷
- آداب ماه رمضان ..... ۱۲۸

**بخش ششم: موسیقی و نوا**

- موسیقی ترکمن ..... ۱۳۴
- آتالارسوزی «ضرب‌المثل‌ها» ..... ۱۴۶

فهرست مطالب ❖ ۵

۱۵۱	.....	هودی «لالایی»
۱۵۶	.....	لاله‌لر «لاله‌ها»
۱۸۸	.....	آغی‌ها یا یاس غوشغی لار «مرثیه‌ها»
۱۹۸	.....	اویون آیدیم لاری «همخوانی هنگام بازی»
۲۰۵	.....	هوولیم
۲۰۸	.....	فهرست منابع

## مقدمه

فرهنگ ترکمن دارای پایه‌های تربیتی و انسان‌سازی است و با دو بُعد یکجانشینی (فلزکاری، کشاورزی و نظایر آن) و دامداری و سنت‌های بیلاق و قشلاق همراه بوده است. سمبل این نوع زندگی، عقاب دوسر از مرغان اسطوره‌ای دنیای باستان است که در معماری دوره‌های تاریخی این ملت نیز نمود دارد.

اوغوز خان<sup>۱</sup> پس از آغاز حکمرانی خود با تشبیه نماد «قبه آلاچیق‌ها» به «قبه آسمان جهان» روحی جهانگیرانه را برای تشکیل امپراطوری جهانی در ذهن و روح این ملت کاشت. او نخستین امپراطوری حاکم بر سرزمین‌هایی واقع در غرب، شرق، شمال و جنوب منطقه‌ای بین دریاچه ایسیق‌کول<sup>۲</sup> تا دریای خزر، یعنی سرزمین قدیمی ترکمن-ترک‌ها، را بنیان نهاد.

از دیدگاه ریشه‌شناسی، یکی از شاخه‌های بیست و چهارگانه اصلی ترکمن‌ها دودورغا به معنی فاتح کشورها، و قانون‌گذار و نظم‌دهنده آنها است. معنای دیگر این نام، فاتح کشورها و دارای توانمندی‌های حفظ و نگهداشت آنها است. از سایر قبایل بیست و چهارگانه ترکمن‌ها می‌توان به قیزیق اشاره کرد که دو معنی بر آن قائل شده‌اند: توانمندی در رعایت قوانین و دارای درایت در اداره کشور.

افزون بر بهره‌مندی از توان کامل تربیت انسانی در نسل‌های مختلف و حفظ خود در شرایط آزادی و در هنگام تشکیل دولت‌های بزرگ، فرهنگ ترکمن قدرت حرکت‌بخشی و به تعادل رساندن فرهنگ‌های دیگر موجود در سرزمین‌های جدید

۱. Oghuz Khan (به ترکمنی Oguz han) خان خانان و پدر اساطیری ترک‌های اغوز (ترکمانان).

۲. Issyk Kul: دریاچه ایسیق در شمال کوه‌های تیان‌شان در کشور قرقیزستان واقع شده است. ایسیق‌کول در زبان قرقیزی به معنای «دریاچه گرم» است.

## ۸ ❖ فولکلور ترکمن و فلسفه‌ی آن

را حول محوریت خود داشته و آن را در طول تاریخ به اثبات رسانیده است. دلیل اثبات این موضوع، تأسیس امپراطوری سلجوقی یعنی بزرگ‌ترین امپراطوری پس از اسلام در ایران و امپراطوری عثمانی در ترکیه فعلی بوده است که هر دو حول محور این فرهنگ پدید آمدند. در ایران، سلجوقیان با اعتقاد به فقه حنفی، عمده مذاهب دیگر را رشد داده و به حالت تعادل رساندند. از سوی دیگر، امپراطوری عثمانی نیز با مشخصه‌ای مشابه، فرهنگ‌های بخشی از مسیحیت در اروپا واقع در محدوده این امپراطوری که تا نزدیکی اتریش گسترش یافته بود را به همراه فرهنگ اعراب (شامل مصر، مراکش، الجزایر و ...) تعالی بخشیده و به تعادل رسانید و با احترام و ارچ به آنها حدود هفتصد سال بر اریکه قدرت این امپراطوری بزرگ تکیه زد. در دوره‌هایی نیز ترکمانان آق‌قویونلو، قره‌قویونلو، اتابکان (آتابگلر) فارس (یا سلغریان)، اتابکان دمشق (که با شرکت مستقیم در جنگ‌های صلیبی به همراه صلاح‌الدین ایوبی که در اصل ژنرال این خاندان بود، به تشکیل حکومت ایوبیان در مصر منجر شد)، اتابکان موصل و سلجوقیان آناطولی به تبع شرایط سیاسی جهانی، امکان گسترش بیشتر نداشتند.

فولکلور عمدتاً به سنت‌های شفاهی (روایی) شامل اصطلاحات، لطیفه‌ها، معماها، ترانه‌ها و تصنیف‌ها، اعتقادات، آداب و رسوم، فرآورده‌های پوششی، مراحل اجرای مراسم‌های مختلف، عروسی‌ها، رقص‌ها، بازی‌ها و نظایر آن اطلاق می‌شود که سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. در کتاب حاضر، عمده مصادیق فولکلوریک فرهنگ ترکمن با شرحی مختصر از فلسفه هر کدام بیان شده است. به علت سیال بودن و رشد و حرکت فرهنگ در زمان، وضعیت کنونی آداب و رسوم، برای مثال ازدواج، مورد توجه قرار می‌گیرد. بدیهی است پرداختن به ابعاد فرهنگی ملت‌ها، از جمله فرهنگ ترکمن با عناصر متعدد، امری پیچیده و نیازمند تدوین کتب فراوان است.

از نظر نحوه اجرا، موسیقی ترکمن دارای انواع اجرایی زیر است:

- **اجرای عمده ترانه‌ها** که با استفاده از یک یا دو تامدیراچی و یک «غیجاق‌چی» به انجام می‌رسد.
- **نقل خوانی** که در آن حکایات، داستان‌ها و یا اشعاری در وصف قهرمانان با استفاده از یک تامدیراچی به انجام می‌رسد. امروزه، در کشور ترکمنستان عمدتاً این‌گونه نقل خوانی‌ها توسط یک خواننده که تامدیرا را نیز می‌نوازد، و یک غیجاق‌چی به انجام می‌رسد.
- **شب‌خوانی‌ها** که در آن افراد مستعد، بسیاری از اشعار و ترانه‌های مردمی را با استفاده از یک تامدیرا به اجرا در می‌آورند.
- **ورساقی** که آهنگی بدون کلام است و در جشن‌ها و مجالس مربوط به اسب و اسب‌دوانی با استفاده از یک تامدیرا و یک غیجاق نواخته می‌شود.
- **چوپانی خوانی** که شیوه خاص شبانان بوده است و به دو شکل، بدون استفاده از ساز یا با استفاده از یک نی یدی بوغین، به اجرا در می‌آید.
- **اجرای خوانندگان نی ترکمنی** که بسیاری از ترانه‌های معمول و یا خاص را فقط با استفاده از نی به اجرا در می‌آورند.
- **ساربه** که نام یک آهنگ ترکمنی است و معمولاً آن را در مواقع عروسی و یا اسب‌دوانی می‌نوازند.

## جُوق جُوق در موسیقی ترکمنی

برای منشأیابی این بخش از موسیقی می‌توان گفت که جوق جوق (تحریر) را در ترکمنی به آواز پرنده اطلاق می‌نمایند. برای مثال، یک شکارچی وقتی پرنده‌ای را با تیر بزند و این پرنده زخمی و از دسترس او خارج گردد، معمولاً می‌گوید: «جُوق جُوق ادیپ چویچا لرنگی ایزینگا دوشیرمئجنگ ینی بیلیارین» (می‌دانم که نخواهی



توانست با جق جق کردن جوجه‌هایت را به خود بخوانی و زندگی نمایی). این واژه در بین ترکمنان امروز نیز بسیار متداول است. باخشی‌ها و اوزان‌ها از جق جق در مقاطع مختلف ترانه‌ها استفاده می‌نمایند و به گونه‌ای جای خالی شادی، گریه، غم، خشم، شرم و خجالت، نعره و نظایر آن را با نحوه متفاوت اجرای جق جق پر می‌کنند. بنابراین در شعری طرب‌انگیز جق جق بیانگر شادی است و در القاء همان حالت ادا می‌شود و گاه در هنگامه نبردی پهلوانانه، نعره هم‌اوردطلبانه یک پهلوان را تداعی می‌کند؛ همان گونه که پرنده در شرایط متفاوت از جمله هشدار دادن خطر به جوجه‌ها یا هم‌پروازان، برای به غذا خواندن آنان، اعلام وضع عادی و شادمانه، و گاه برای تعیین ضرورت پرواز به صدا درمی‌آید. پیتر بروک<sup>۱</sup>، بزرگ‌ترین کارگردان تئاتر زنده جهان، می‌گوید: «صدای پرندگان زبانی است که با آن می‌توانیم به زیبایی هر احساسی را بیان کنیم، شادی یا خشم و...».

یکی از اساسی‌ترین خدماتی که موسیقی دست در دست ادبیات ارائه می‌دهد این است که حوادثی را که یک‌بار در گذشته اتفاق افتاده همیشگی و قابل تکرار می‌نمایند. از جمله این حوادث لباس رزم پوشیدن آی سلطان، خواهر بزرگن پهلوان در داستان گوراوغلی است. بزرگن با سعایت و بدگویی پیرزنی جاسوس حکومت‌ها به اشتباه کشته می‌شود. آی سلطان به خونخواهی او لباس مردانه رزم پوشیده و عازم چاندبیل می‌گردد. در مسیر راه به گوراوغلی برخورد می‌نماید، ولی گوراوغلی خود را به او معرفی نمی‌کند. در مسابقه کشتی و نیزه‌بازی گوراوغلی را ناشناخته شکست می‌دهد، ولی بعد از مدتی گوراوغلی او را بر سر مقبره شایسته و بزرگی که او در ترکمن صحرا برای بزرگن ساخته می‌برد و خود را در آنجا به آی سلطان معرفی نموده و از او می‌خواهد که به ازای خون برادرش، گوراوغلی را نابود نماید. آی سلطان قبول نمی‌کند، ولی به یاد برادرش غمگین است. گوراوغلی با ساز شعری را برای دلجویی او نادمانه به آواز می‌خواند.

۱. Peter Stephen Paul Brook: پیتر استفان پل بروک (زاده ۲۱ مارس ۱۹۲۵) کارگردان نوآور تئاتر و سینمای بریتانیایی.

این صحنه برای دادن این پیام بازخوانی می‌گردد که سایر پهلوانان در طول تاریخ دقت نمایند تا خون دیگری را بدون تحقیق و کسب یقین به ناحق نریزند. همچنین جهت دانستن مقام زنان و شایستگی‌های آنان در میان ترکمنان توسط ادیبان در حماسه گوراوغلی بازخلق شده، سپس این شعر توسط اوزان‌ها و باخشی‌ها به همراه موسیقی تنظیم و در اختیار عموم مردم قرار داده شده است. بدین ترتیب هشدار گوراوغلی در طول تاریخ در گوش این ملت زمزمه و تکرار گردیده است تا ملکه ذهن آنان گردد. این شعر بدین صورت است:

سن آغلامه سنینگ آغانگ بولایین	سرینگه دونه بین گل یوزلی جنان
سن آغلامه سنینگ آغانگ بولایین	اونینگ اوچون سپنه لاری کبابم
صدرانج اویناپ بیر کمپیردن سم بولدیم	دریا کمین داشدیم صیندیم نم بولدیم
سن آغلامه سنینگ آغانگ بولایین	اولوم حق بویروغی نامارد من بولدیم
وق آتدیم اوز گوزیم یاشدان دولدوردیم	ناحق اکن سنینگ آغانگ اولدوردیم
سن آغلامه سنینگ آغانگ بولایین	پشمان ادیب آلطین گنبد صالدیردیم
یرگه آقدیرمغین دامجه خونیمی	گوراوغلی دیر آلعین منینگ جانیمی
آی سلطان آغلامه آغانگ بولایین	ایچگین کاسه-کاسه قیرمیز قانیمی

#### ترجمه:

فـدایت شـوم ای زیـاروی پهلـوان  
 گریه نکن مرا به جای برادر خود بپذیر  
 به خاطر این اتفاق سینه‌ام کباب است  
 گریه نکن مرا به جای برادر خود بپذیر  
 همانند دریایی خروشان بودم ولی اکنون به نمی تبدیل گردیده‌ام  
 در بازی شطرنج سرنوشت به پیرزنی بدخواه باخته‌ام

مرگ سرنوشتی محتوم است ولی من ناجوانمرد شده‌ام  
 گریه نکن مرا به جای برادر خود پی‌نذیر  
 با اشتباه برادر تو را هلاک نمودم  
 تیری انداخته ولی چشمانم را تا آخر عمر پر از اشک نموده‌ام  
 به اشتباه خود پی برده پشیمان گشته و گنبدی بر مقبره‌اش ساختم  
 گریه نکن مرا به جای برادر خود پی‌نذیر  
 گور اوغلی می‌گوید جانم را بستان  
 حتی قطرات خونم را هم بر زمین نریز  
 می‌توانی به جای خونخواهی پس از کشتنم خونم را بنوشی  
 گریه نکن مرا به جای برادر خود پی‌نذیر

گور اوغلی بعد از دستیابی به اسب محبوبش قیرآط که قبلاً دزدیده شده بود، در برگشت توسط مأموران حاکم نیشابور بارها و بارها مجبور به جنگ با آنان می‌شود و خود و اسبش از هجده نقطه در بدن زخمی می‌گردند. ولی در نهایت از محدوده اراضی حاکم نیشابور خارج و به محدوده اراضی ترکمنان وارد می‌شوند و خطر برطرف می‌گردد. اسب لنگان‌لنگان به پیش می‌رود و گور اوغلی بسیار بدحال و خون‌آلود از زخم‌هایش، می‌داند که زندگیش تا رسیدن به چاندبیل تنها وابسته به حملش توسط قیرآط است. او از این همه اذیت و آزار به خاطر آزادسازی قیرآط که سال‌ها طول کشیده، خسته و فرسوده است، ولی قهرمانی است که می‌تواند تمام توانش را متمرکز نماید و در این لحظه سازش را به دست گرفته و قیرآط را به استواری فراخوانده و به او وعده رسیدگی و تیمار بعد از رسیدن به چاندبیل را می‌دهد. صحبت بین یک ترکمن و اسبش در کمال بی‌ریایی با رابطه صمیمی بین ترکمن و اسبش یک بار دیگر در تاریخ در این شرایط به وقوع می‌پیوندد. هرگاه

## آتالارسوزی

### «ضرب‌المثل‌ها»

آتالارسوزی بخشی از فولکلور ملت ترکمن را تشکیل می‌دهد و تجربیاتی از زندگی آنان است که توسط بزرگان و نخبگان به صورت آهنگین و موسیقایی و موزون در اختیار کلیه نسل‌های ترکمن قرار گرفته است. این ضرب‌المثل‌ها در برهه‌هایی که انتخاب بین دو راه مشکل است، راهنمای انتخاب می‌گردد و فرد را براساس سوابق و نحوه زندگی و شیوه نگرش افراد ترکمن در گذشته‌هایی که پر فراز و نشیب بوده‌اند، رهنمون می‌شود.

کتاب *آتالار تئلی* یکی از گنجینه‌های ادبیات عامیانه ترکمن‌ها محسوب می‌شود. آتالارسوزی چکیده روحیات، خلق و خو، و خلاصه تجربیات کهن نسل‌ها است که با شرایط و نحوه زیست اجتماعی آنان در تداوم نسل‌ها فراگرفته و به منزله منبع تجربیات در اختیار آنان که لگام زندگی این جهانی را در دست دارند، قرار می‌گیرند. در ادامه، نمونه‌هایی از ضرب‌المثل‌های رایج بیان می‌شود.

♦ آیاقدا بولاندان، آغیزدا بول.

ترجمه: به جای زیر دست و پا بودن مردم، از سجایای تو صحبت کنند بهتر است.

\*\*\*

♦ ال الی یووار، ایکی ال بیرگیپ یوزی.

ترجمه: دست دست را می‌شوید و دو دست با هم صورت را.

\*\*\*

## لاله لر

### «لاله‌ها»

لاله‌ها اشعاری با مضامین تربیتی، اجتماعی، اخلاقی، تاریخی، حماسی، و سیاسی هستند که بدون هیچ ساز و وسیله موسیقی عمدتاً توسط نوعروسان و دختران ترکمن به اجرا درمی‌آیند. زنان لاله‌ها را در فرم اجرا به پنج شیوه برگزار می‌کنند:

- اخیمئل / اخیمئل لاله سی؛
- دوداق لاله سی / لاله لب؛
- بوقورداق لاله سی (داماق لاله سی)؛
- انگک لاله سی / لاله چانه؛ و
- آیاق لاله سی (لاله با ریتم حرکت پاها).

در جوامع ترکمن یکی از آزادی‌هایی که به زنان داده شده، امکان بیان احساسات و عواطف خود پس از رفتن به خانه بخت در دهکده‌های کوچک و بزرگ، یا محله‌های شهرها از طریق اجرای لاله‌ها بوده است. بدین ترتیب، خانواده‌ها و ایل همه از عقاید و افکار نوعروسان که شرم و حیا مانع گفتن آن به صورت عادی به خانواده بود آگاهی می‌یافتند؛ بعد از کسب آگاهی، چگونگی رابطه و درخواست‌های خود را نسبت به خانواده داماد تنظیم می‌نمودند؛ و نوعروسان نیز با بیان احساسات قلبی در میان ایل از نوعی سبک و تخلیه روانی با توجه به انتقال نظرات خود به ایل برخوردار می‌گردیدند. در ابتدای لاله‌ها چنین گفته می‌شود:

قیزلار داغا چیقما یلینگ      گولوپ اویناپ بؤ که یلینگ  
اگسیلمأ نه درد یمیز      گلینگ لاله قاقا یلینگ

بی‌شک احساسات و نحوه برخورد و اجرای لاله‌ها توسط نوعروسان و همسالان نوعروس، خود از دید و آگاهی خانواده‌های آنان به دور نمی‌ماند. رابطه‌ها ضمن تلطیف، بر مبنای آگاهی تنظیم می‌گردید. به ویژه اینکه برخلاف امروز، در اجرای این لاله‌ها همانند سایر بخش‌های فولکلور با استفاده درست و به‌روز شده، نوعروسان می‌توانستند سازنده اشعار و مبدع باشند یا از بخش‌هایی از لاله‌ها استفاده نمایند که بیشتر مورد نظر آنان بوده است. برای مثال، بعد از یک عروسی موفق لاله‌هایی در وصف یار و زیبایی و نزاکت شوهر یا رابطه عاشقانه، بیشتر مورد توجه نوعروسان قرار می‌گرفت:

آی آیدینگ دیر یاختی دیر      قیزلار گلر واکتی دیر  
یور گیدیلی گلّه جه      کورئک گلجک واکتی دیر

افزون بر این، نوعروس می‌توانست اشعاری با مضامین مورد توجه خود را به بخش قبلی (اصلی) لاله‌ها اضافه کند و از سایر نوعروسان تقاضا نماید که آن را به طور جمعی اجرا نمایند. بدین ترتیب، لاله‌ها همانند موجودی زنده و پویا به تکامل خود در طول تاریخ تداوم بخشیده است.

لاله‌ها از نظر قالب اغلب رباعی و چهارمصرعی و معمولاً هفت‌هجایی هستند. گاه لاله‌ها به صورت ترجیع‌بند نیز به کار رفته‌اند. عمده لاله‌ها چهارپاره‌هایی هستند که به دو گونه سروده شده‌اند: (۱) الف - الف - الف - ب - الف؛ و (۲) الف - الف - الف - ب. از سوی دیگر، لاله‌ها براساس مضامین ابعاد متفاوتی در طول تاریخ داشته‌اند که در ادامه به ذکر نمونه هر بُعد می‌پردازیم.

### لاله‌ها در نکوهش دختر به غریبه دادن

معروف‌ترین لاله با مضمون جدایی و دور افتادن از ایل و نکوهش امر دختر به غریبه دادن است. برای مثال:

لالا لالا جان لاله	لالا لالا جان لاله
چونگفور گيدر اجه جان	چونگور غويا داش آسانگ
ييتير گيدر اجه جان	ياد ايل لره قيز برسنگ
اوتورتمادي اورنومدا	ياد ايل لر يامان ايل لر
داراتمادي وقتيندا	نوقطا قارا ساچيمي
دولدان آسغين اجه جان	ايگنام بيلان يوسامي
اولدي ديگين اجه جان	بويداش لاريم گلندا
ييتدي ديگين اجه جان	داييم داييزام گلندا
جايميم قالدي اجه جان	آق كچانينگ اوستيندا
پاييم قالدي اجه جان	دورلي تابقنگ ايچيندا
سولدي ديگين اجه جان	سوقان باشي سولندا
ياندي ديگين اجه جان	يانداق باشي ياناندا
هر پرده سي بير پرده	غايالاري پرده پرده
دوشمان يانسين شول درده	ياخشي قيز يامان يرده
صانديغيما دايانديغيم	صانديغيم آي صانديغيم
حاييب منينگ يانديغيم	ياد ايل لرينگ ايچينده
سوو ايچينده اويناديم	سووا گيرديم بويلاديم
ياليق چكيپ آغلاديم	ياد ايل لرينگ ايچينده
بوقجا باغيم كؤل بولجاق	من گليانچام يئل بولجاق
سايراپ دوران ديل بولجاق	دولدا دوران آق قوشاق
غارا ياوي بوش گليار	غارا غارا گوچ گليار
گوزي دولي ياش گليار	قيزين يادا به ره نينگ

آی دوغار بارغا بارغا	چاغیر دولتی قارغا
قیزین یادا بره نینگ	گرکدیر آطی یورغا
سویت گرک قایماق گرک	قایماغی یایماق گرک
قیزین یادا بره نینگ	گوزونی اویماق گرک

ترجمه:

اگر به چاهی ژرف سنگی بیندازی  
به اعماق رفته گم می‌شود مادر جان  
اگر به جای دور دختر بدهی (عروس کنی)  
گم خواه شد شد مادر جان  
غربت و غربتیان بد هستند  
مرا در جایگاه مناسب نشاندند  
گیسوان بلند و سیاهم را  
نگذاشتند که به موقع شانه کنم  
سوزن و انگشتر تانه مرا  
در بخش اصلی آلاچیق آویزان کن  
وقتی همسالان و دوستانم آمدند  
بگو من مرده‌ام مادر جان  
وقتی دایمی و خاله‌ام آمدند  
بگو که من گم شده‌ام مادر جان  
بر روی قبالی سفید هنوز



جای پاهایم باقی است  
و در ظرفهای رنگارنگ  
هنوز سهم غذایمان مانده است  
وقتی گیاه پیاز کوهی می‌پژمرد  
بگو دخترم پژمرد مادر جان  
وقتی بوته خار شتر می‌سوزد  
بگو دخترم سوخت مادر جان  
صخره‌های کوه‌ها پشت در پشت  
هر پشتی آن‌ها مانع دید من هستند  
دختری خوب در جایگاه بدی قرار گرفته است  
الهی که دشمن به درد من گرفتار آید  
صندوقم ای صندوقم  
ای تکیه‌گاه انیسوم ای صندوقم  
در میان ایل ناآشنا و دور  
حیف است که بیهوده بسوزم  
خود را به آب رودخانه زدم  
و در آب بازی کردم  
در میان ایلی ناآشنا و دور  
روسی را به صورتم کشیده غریبانه گریستم

هر کس از ایل خود دور افتاده باشد  
نادم و سرشکسته خواهد گردید

### لاله‌ها با اجرای پایکوبی

این لاله‌ها در مجالس شادی با پایکوبی و حرکات دست و پا به صورتی آهنگین اجرا می‌گردند. برای مثال:

دریادان گلیان بوقجام	ال بوقجاما ال بوقجام
ینگامینگ قالام قاشی	دریانینگ اونیق داشی
آلین ساچین اوریلی	ینگام گلسین گوریلی
باهاسینی بریلی	آلین ساچی کم بولسا
ایچینده قوشا نارا	باهاسی پارا پارا
چیل یوفه گه دوزولسه	قوشا ناریم اوزولسه
دسته گلی پورچی جک	چیل یوفه گأ چیچیجک
سَمَر سَمَر چکیلر	دستم گل لراکیلر

ترجمه:

ای بقچهم ای بقچهم  
که از رودخانه شناور می‌آیی  
ای سنگ‌های ریز رودخانه  
زن برادر من ابرویی کمانی دارد  
زن برادرم بیاید تا ببینمش  
سپس موهایش را شانه زده ببافیم

## آغی‌ها یا یاس غوشغی لار

### «مرثیه‌ها»

زنان ترکمن در مواجهه با مرگ افراد بسته به میزان علاقه و ارتباط صمیمی خود با آنان ضمن به یاد آوردن خاطرات آنها در سوگ فرد از دست رفته نالیده‌اند. ابیات سروده شده دارای قافیه، موزون و آهنگین بوده و در ایام سوگواری و اندوه درگذشتگان برای تسلی دلشان خوانده می‌شود. در میان ابیات اسم فرد در گذشته یا نسبت او با فرد با عطای صفتی خوب و برجسته به درگذشته تکرار می‌گردد. در افسانه گوراوغلی صحنه‌ای وجود دارد که در آن گوراوغلی می‌خواهد بدانند آغا یونس بعد از مرگ همسرش چگونه برای او آغی خواهد سرود و چگونه بیتابی خواهد کرد. بدیهی است که ابیات در درگذشت افراد متشخص مردمی، سرداران و نظایر آنها با سوزی بیشتر سروده می‌شدند و بدین ترتیب گاه به صورت فی‌البداهه ایراد می‌گردیده است. در ادامه به نمونه‌هایی از آغی‌ها اشاره می‌گردد.

سو سیز یرده قایانلار	تاقیر یرده تایانلار
کیم آیاندی داشینگدان؟	آلا گوزونگ آیانگدا
کیم قالدیردی باشینگدان؟	ایغار ساچینگ ایغاندا
یوکلہ نیپ لر گلن دیر	آتانیپ لار گیدن دیر
چولده جانی چیقاندا	چایا قانی آقاندا

ای وای دیسین (ینگه سی)

غارا گوزلر اوردی می؟	آوان دیلرر چالدی می؟
یانگی بولدوم دینده	اوردگی غاز اوچاندا

گورگیچ گلدی گوردی می؟      دیلماچ حابار بردی می؟  
ایغار ساچینگ ایغاندا      کیم قالدیردی باشینگدان  
آلا گوزینگ آیلانگدا      کیم آیلاندی داشینگدان  
یاندیم دیسین انه سی      توندیم دیسین اجه سی

ترجمه:

آن‌ان که در زمین هموار لغزیدند  
در جایی که آبی وجود نداشته شناور گردیده‌اند  
آن‌گاه که چشمان سیاهت را می‌گرداندی  
چه کسی در اطرافت دور زد؟  
آن‌گاه که گیسوانت پریشان گردید  
چه کسی سرت را بلند کرد؟  
او سوار بر اسب رفت  
ولی در برگشت بی‌جان شد  
برای موقع جاری شدن خونس در رود  
و برای لحظه بیرون آمدن جان از تنش در بیابان  
(زن برادرش) برایش ای وای گوید

آیا چشم زخمی به تو زده شد  
یا زبان‌های زهردار ضربه به تو وارد نموده‌اند؟  
آن‌هنگام که او گفت کارهایم به پایان رسیده  
اردک‌ها و غازها به پرواز درآمدند